

ای فرزندم! مرا کمترین گمانی در آن نیست که تو ایران را دوست می داری؛ لیک دوست داشتن، بسنده نیست؛ ایران را می باید شناخت تا بتوان آن را بدان سان که شایسته است و سزاوار؛ به دیگران شناساند. مبادا گذر شتابان عمر را مسخره بگیری یا به حرف بزرگ ترهائیتان گوش نکنید و از تجربه های آنان، بهره نگیرید. اگر چنین کنید، پانزده یا بیست سال دیگر، به خود یا دیگری خواهید گفت: « ای کاش کسی را داشتیم که ... »

تو دعوی دانایی می کردی ، اکنون که به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم. بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید.

ایران، سرزمینی بزرگ ، عزیز و شکوهمند است. سرزمینی که دین و زبان و فرهنگ و جسم و جان ما در آن پرورش یافته و اکنون پاره ای از پیکر ماست. اگر چه در طول تاریخ، ستم ها و گزندهای فراوانی دیده، اما هرگز ایمان، عزت و اراده استوار خود را از دست نداده است.

زبان هر جامعه در هر دوره ای ، نماینده فکر و فرهنگ همان روزگار است. بهترین راه برای آشنایی با اندیشه ها و باورهای هر جامعه ، روی آوردن به ادبیات آن جامعه است و مقصود از ادبیات ، همه آثار نظم و نثری است که آینه فرهنگ و اندیشه یک جامعه است؛ به عبارت دیگر « ادبیات ، بیان حال یک جامعه است ».

لازم نیست در کارها عجول باشید؛ یعنی نباید بدون تفکر و تأمل به کاری اقدام کنید ولی همین که تصمیم گرفتید کاری را انجام دهید، بلافاصله شروع کنید و تعلل روا مدارید؛ کار امروز را به فردا میفکنید که جز پشیمانی سودی ندارد. باید برنامه خود را چنان مرتب کنیم که در هر ساعتی، کار معینی داشته باشیم و گرنه مقدار زیادی از وقت ما تلف می شود.